

خطبه اول

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى الْهَادِي الْبَشِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، سَيِّدِنَا سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، إِبْرَاهِيمَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا سَيِّمًا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ

عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

خودم و همه شما عزیزان را به رعایت هر چه بیشتر تقوای الهی
سفارش می‌کنم

هفته گذشته گفتیم که امیرالمومنین علی (علیه السلام) در حکمت
38 نهج البلاغه، به برکت وجود نازنین امام مجتبی (علیه السلام)،
هشت گنج را در اختیار ما قرار داده است. گنج اول «عقل» بود که
مختصری توضیح دادیم.

امیرالمومنین (علیه السلام) **گنج دوم** را این‌گونه بیان می‌فرمایند:

«وَأَكْبَرُ الْفَقْرِ الْخُمُقُ»، یعنی بزرگ‌ترین فقر، نادانی است.

گنج اول: بزرگترین ثروت عقل - إِنَّ أَغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ

گنج دوم: بزرگترین فقر نادانی وجهل - وَ أَكْبَرُ الْفَقْرِ الْخُمُقُ

زیرا انسان بی‌خرد و نادان، هم آخرتش را بر باد می‌دهد و هم دنیایش
را. انسان ناآگاه، منافع زودگذر را بر سعادت جاودان مقدم می‌دارد.
انسان نادان لذت‌های زودگذر را بر سعادت پایدار ترجیح می‌دهد.

به همین دلیل، روز قیامت کمرش زیر بار سنگین سیئات و گناهان خم می‌شود و می‌شکند، در حالی که دستش از حسنات تهی و خالی است. در دنیا هم به خاطر ندانم‌کاری‌هایی که انجام می‌دهد، دوستانش را از دست می‌دهد و منافع آنی را بر منافع و درآمدهای آینده مقدم می‌دارد. انسان بی‌خرد، بخیل و تنگ‌نظر است. به همین خاطر مردم نسبت به او بدبین هستند. او تدبیر اداره امور زندگی مادی را ندارد؛ لذا به دلیل فقر عقل، دچار فقر مادی هم می‌شود.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه درباره نشانه انسان‌های بی‌خرد و نادان، دو نشانه را معرفی می‌کند و یک توصیه نیز دارد.

نشانه اول برای انسان بی‌خرد و نادان این است که ایشان می‌فرمایند: کسی که عیبی را در دیگری ببیند و از آن عیب بدش بیاید و آن را زشت بشمارد، اما همان عیب را که در دیگران بد می‌پندارد و زشت می‌شمارد، برای خودش بپذیرد و نسبت به وجود آن در خودش ایرادی نگیرد.

در حکمت سیصد و چهل و نهم نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَمَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأَنكَرَهَا»؛ یعنی اگر کسی در عیب‌های دیگران نظر کند و در وجود آنان دقت نماید و آن عیب‌ها را بد بشمارد، «ثُمَّ رَضِيَهَا لِنَفْسِهِ»؛ حال اگر آن عیب در خودش باشد، راضی باشد و به خودش ایراد نگیرد، می‌فرماید: «فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ يَعْيِيهِ»؛ این شخص در حقیقت بی‌خرد و نادان است. وقتی کسی عیبی یا گناهی را از دیگران دید، باید نگاهی به خودش بیندازد؛ اگر آن عیب در خودش وجود دارد، آن را رد کند و از بین ببرد. برای مثال، اگر در موضوعی کسی به

بنده دروغ گفت و من ناراحت شدم، من نباید به دیگران دروغ بگویم. اگر کسی حرکتی انجام داد که آرامش من سلب شد و آرامش از من گرفته شد، من نباید آن حرکت را انجام دهم؛ زیرا آرامش دیگران سلب می‌شود. لذا اگر کسی مصداق این ضرب‌المثل نباشد که گفته شده: «ادب از که آموختی؟ گفت از بی‌ادبان. هر چه در نظرم از ایشان ناپسند آمد، از انجام آن پرهیز کردم.»، اگر کسی مصداق این ضرب‌المثل نباشد، به فرموده امیرالمومنین، انسان بی‌خرد محسوب می‌شود.

این نشانه اول بود.

نشانه دوم انسان بی‌خرد این است که قلب و عقلش تابع زبان است. امیرالمومنین می‌فرماید: «وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ»؛

یعنی قبل از اینکه بخواهد فکر کند، حرف می‌زند؛ قلب انسان بی‌خرد پشت زبانش هست و دنبال زبان است و عقل انسان بی‌خرد در دهانش هست. این دو نشانه را امیرالمومنین بیان می‌کند.

توصیه امیرالمومنین (علیه السلام) در رابطه با انسان‌های نادان و بی‌خرد هم در همین حکمت سی و هشتم، به عنوان گنج پنجم، ان‌شاءالله مورد اشاره قرار خواهد گرفت. ایشان می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ إِنَّاكَ وَ مُصَادَقَةُ الْأَحْمَقِ»؛ برحذر باش از اینکه با انسان‌های بی‌خرد و نادان همنشین کنی،

«فَاتَّهٖ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَصْرُكَ»؛ زیرا او می‌خواهد به تو خیر و نفع برساند، اما در نهایت به تو ضرر می‌رساند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات انسان‌های نادان و بی‌خرد، دشواری درمان آنهاست؛ این افراد غیرقابل درمان هستند و بیماری‌شان هم واگیردار و هم غیرقابل علاج است. انسان بی‌خرد مانند بیماری است که نه دارو می‌خورد و نه پرهیز می‌کند.

شیخ مفید روایتی را از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که:

«إِنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ قَالَ»؛ حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود:
«دَاوَيْتُ الْمَرْضَى فَشَفَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ من بیماران غیرقابل علاج را به اذن خدا درمان کردم و شفا دادم. من نابینای مادرزاد و کسی که بیماری برص دارد را به اذن خداوند درمان کردم و بهبودی یافتند. و بالاتر از آن، «وَعَالَجْتُ الْمَوْتَى فَأَحْيَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ من به اذن خدا مردگان را شفا دادم و زنده شدند. اما می‌فرماید: «وَعَالَجْتُ الْأَحْمَقَ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِصْلَاحِهِ»؛ می‌خواستم یک انسان بی‌خرد و نادان را درمان کنم، اما نتوانستم. حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرمود که این دردی واگیردار است و سفارش شده که از آن دوری کنید. ایشان فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُصَادَفَةَ الْأَحْمَقِ».

امام سجاد (علیه السلام) نیز در نصایحی که به فرزندشان امام باقر (علیه السلام) دارند، به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: از معاشرت با احمق پرهیز که نه از علم خودش سودی می‌برد و نه از علم دیگران استفاده می‌کند. سخن خیرخواه را گوش نمی‌گیرد. مطالب دیگری هم

در این نصیحت بیان می‌کنند که مضمونش این است: همه دوست دارند این انسان احمق از بین برود و فقدان او را آرزو دارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرُ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ صدق الله العلي العظيم

خطبه دوم بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأَمَمِ
الْمَاضِيَةِ، وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ أَمِينِكَ عَلَيَّ
وَحَيْكَ، وَ نَحْيِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ،
وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ سَيِّدِنَا وَنَبِينَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ أَبُو الْحَسَنِ،
يَعْسُوبُ الدِّينِ، رَئِيسُ الْمُؤَحِّدِينَ، سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، إِمَامُ
الْمُتَّقِينَ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عَلِيٌّ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ حَبِيبَةُ اللَّهِ
سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلِيٌّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدِي شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ عَلِيٌّ عَلِيُّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ
جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا
الْمُرْتَضَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ
الْخَلْفُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ حُجَّكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ وَ أَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ
صَلُوةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ.

اللهم و صل على ولي امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر و
حفه بملائکتک المقربين و ايده بروح القدس يا رب العالمين.

اوصيکم عبادالله و نفسی بتقوى الله

نیاز امروز جامعه امید و امیدآفرینی است

ملت باید قدرتمند و امیدوار باشد

**ملتی موفق است که داشته های خودش را ببیند
و مردم را امیدوار کند.**

البته امید واهی و کذب خیر

امیدواری به واقعیت جامعه و داشته هایی که داریم و در حال
بدست آوردن ان هستیم.

متأسفانه بخشی از فضای رسانه‌ای کشور در سال‌های
اخیر، اسیر یک رقابت ناسالم در انعکاس اخبار منفی و
یأس‌آفرین شده است. این امر ناشی از دو تصور غلط است:
اول، این باور که اخبار منفی به دلیل دارا بودن ارزش خبری
برخورد و درگیری، مخاطب بیشتری جذب می‌کند؛

و دوم، این تصور که تمرکز بر مشکلات، نشان‌دهنده
جسارت و صداقت است.

نتیجه این نگاه، دور باطلی از ناامیدی و بی‌اعتمادی است
که در بلندمدت به فرسایش سرمایه اجتماعی و روحیه
جمعی می‌انجامد.

رهبر معظم انقلاب با تذکر اخیر خود،

در واقع رسانه‌ها را به بازگشت به وظیفه ملی و حرفه‌ای خود فرامی‌خوانند. جذب مخاطب از طریق بزرگ‌نمایی اخبار منفی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت تأثیرگذار باشد، اما راهبردی غیرمسئولانه و در نهایت منجر به دل‌زدگی و حتی تنفر از رسانه خواهد شد.

تأکید بر امید، هرگز به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌های سخت نیست، بلکه به معنای روایت متوازن واقعیت‌ها و ارائه راهکار است. این نگاه، رویکردی فعال و مسئولانه در قبال مشکلات است، نه یک نگاه انفعالی و آرمان‌گرایی فاقد واقع‌بینی.

روایت غالب و مسلط عمومی، باید روایتی باشد که بر ایمان به توانایی‌های ملی، عزم راسخ برای پیشرفت و اعتماد به نفس جمعی تمرکز کند. تنها در این صورت است که سرمایه اجتماعی تقویت شده و کشتی این کشور امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) با وجود تمام طوفان‌ها، با سرنشینانی امیدوار و مصمم به پیشروی خود ادامه خواهد داد.

یکی از مسائل مهم امروز کشور مسئله اقتصاد است

مهم ترین دستاورد های جنگ 12 روزه هم مسائل سیاسی است و هم مسائل نظامی .

اما پس از جنگ یکی از مسائلی که باید از فرصت پیروزی استفاده کرد مسئله اقتصاد است.

پایان جنگ به معنی باز شدن مسیر سرمایه گذاری های داخلی و خارجی است. بسیاری از پروژه هایی که سال ها به دلیل نااطمینانی متوقف شده بودند، اکنون امکان احیا می یابند.

افزایش اعتماد عمومی و احساس غرور ملی، خود یک عامل کلان برای تحریک تقاضا و مصرف است. مردم با امید بیشتری وارد بازار می شوند و این به گردش پول در اقتصاد کمک می کند. بازگشت این انرژی روانی در سطح کلان باعث رشد سریع تر تولید ناخالص داخلی خواهد شد.

از سوی دیگر، دولت می تواند از این فرصت برای تثبیت اقتصاد استفاده کند. ایجاد یک بسته سیاستی هماهنگ برای کنترل تورم و هدایت منابع به سمت تولید، سبب می شود اقتصاد از رکود جنگی فاصله بگیرد. این مدیریت هوشمندانه می تواند پایه های رشد پایدار را بنا کند.

تجربه تاریخی کشورهای دیگر نشان داده است که دوران پس از جنگ می‌تواند نقطه تولد «معجزه‌های اقتصادی» باشد. ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های انسانی و منابع طبیعی، شانس بالایی دارد تا در مسیر یک جهش تاریخی قرار گیرد.

یک نکته دیگر

در هفته گذشته اسرائیل حمله کرد به قطر خوب واقعا این اقدام و حمله به کشوری که در واقع میانجیگری می کرد جای تعجب داشت.

اما بعدش یک نشست اضطراری کشور های عربی اسلامی در دوحه قطر برگزار کردند

یک سری نکات مطرح شد که خدمتون عرض میکنم

بیانیه پایانی این نشست با وجود مواضع خوب سران کشورها چندان قرابتی با آنچه در اجلاس و در سخنرانی‌ها مطرح شد نداشت. البته این بیانیه نکات خوبی هم داشت .

از جمله محکوم کردن اصل حمله، محکوم کردن اشغالگری و نسل‌کشی توسط رژیم، حمایت از حق

**دفاع قطر، دعوت از کشورها برای حمایت از فلسطین
و... اما مسئله این است که این رویکردها رنگ و بوی
اقدام عملی ندارد**

جمهوری اسلامی ایران **یک نقد جدی** به این بیانیه دارد و
آن صراحت بیانیه برای رسمیت‌دادن به ساز و کار «دو
دولتی» در مناطق اشغالی است، در سرتاسر این بیانیه
عبارت‌هایی نیز آمده که مورد نقد جمهوری اسلامی ایران
قرار گرفت

از جمله «قدس شرقی/بیت‌المقدس شرقی، مرزهای ۱۹۶۷
و...» که همگی توسط بیانیه وزارت امور خارجه ایران رد
شد.

یکی دیگر از ایرادات بیانیه پایانی این نشست **تقدیر از
آمریکا** بود آنهم به جهت میانجی‌گری و نقشی که در ایجاد
اصلاح ایفا کرده است

دقایقی بعد از پایان نشست رژیم صهیونیستی حملات خود
به غزه را تشدید کرد. این عملیات‌ها در جنوب لبنان و سوریه
نیز تشدید شد. این واکنش رژیم یعنی نمایش قدرت برای
کماهمیت نشان‌دادن نشست دوحه!

(به مناسبت شروع سال تحصیلی جدید)

با نزدیک شدن به فصل بازگشایی مدارس، دغدغه خانواده‌ها و نظام آموزشی برای هدایت صحیح دانش‌آموزان اوج می‌گیرد. در این میان، موضوعی که بیش از پیش مورد تأکید اولیاء دغدغه‌مند تعلیم و تربیت قرار دارد، کشف و پرورش استعدادهاى دانش‌آموزان است. شناسایی این توانمندی‌ها نه تنها مسیر تحصیلی و شغلی آینده فرد را روشن می‌کند، بلکه سنگ بنای اعتماد به نفس، انگیزه و رضایت شخصی او را نیز می‌سازد.

انسان‌ها با استعدادهاى گوناگون‌شان تأمین‌کننده نیاز جوامع بشری برای سیر الی الله و سیر الی الکمال‌اند، همه این استعدادها باید استخراج بشود. این، وظیفهٔ مربیان جوامع را و وظیفهٔ حکومتها را سنگین می‌کند.

پیغمبران خرد و عقل انسان‌ها را تحریک میکردند

آن‌ها را به کار وامی‌داشتند. این، همان پرورش استعدادها است، به هیچ انسانی نبایستی با نگاه تحقیر نگاه کرد، چه

بسا در او یک استعدادی هست که جامعه به آن استعداد،
 نهایت نیاز را دارد. بله، بعضی‌ها هفتاد، هشتاد سال هم
 عمر می‌کنند، از دنیا می‌روند، استعدادشان کشف
 نمی‌شود، این‌ها مظلوم واقع می‌شوند. اگر استعدادِ او
 کشف می‌شد، ممکن بود یک نابغه‌ای بشود، یک شخصیت
 برجسته‌ای بشود. این وظیفهٔ مربیان جامعه از جمله
 روحانیون، معلّمان، دستگاه‌های مختلف تربیتی را زیاد
 می‌کند. مبدا به این استعدادها بی‌اعتنایی بشود.
 در پایان از حضوری‌کایک شما عزیزان مردم خوب شهر زاوین
 ومسئولین تقدیر وتشکر میکنم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ «۱» فَصَلِّ لِرَبِّكَ
 وَأَنْحَرْ «۲» إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ